

## تعریف قوه عقل و بررسی تفاوت‌های میان انسان عاقل و انسان باهوش

### قوه عقل چیست و انسان عاقل کیست؟

عقل که نباشد، جان در عذاب است!

شاید این جمله در نگاه اول ضرب‌المثلی ساده به نظر بیاید، اما قوه عقل واقعاً به قدری مهم است، که نبودش ما را به تباهی می‌کشاند. قوه عقل معیاری برای تشخیص، تصمیم و اولویت‌گذاری در فرصت محدود عمر ماست. عقل است که به آرمان‌ها، دغدغه‌ها، انگیزه‌ها، هنجارها و عشق‌های ما جهت می‌دهد. در حقیقت عقل مبداء امیال ما را تغییر می‌دهد، اگر عاقل باشیم، به دنبال سرمنشاء هر چیز می‌رویم. حد و مرز ادراکات و اطلاعات قوه عقل در محدوده عالم ماده است. عقل هم مانند حس، خیال و وهم چهارچوبی دارد، که نمی‌تواند از آن عبور کند. با نگاهی به قوانین و فرمول‌های علمی که زیر مجموعه معقولات قرار می‌گیرند، می‌بینیم که ویژگی مشترک آنها در بسیاری از موارد ابطال ناپذیری آنهاست.<sup>1</sup> مثلاً دو دوتا همیشه چهارتا باقی می‌ماند.

شناخت و اشراف به خود از دیگر ویژگی‌های قوه عقل است. عقل خودش را می‌شناسد و از کمبودهای خود مطلع است، اگر تحت تأثیر وهم و خیال نباشد، منصفانه می‌داند که چه چیزی را می‌داند و چه چیزی را نمی‌داند، حتی خودش به آن چه نمی‌داند اعتراف می‌کند.

در این مقاله به انواع بروزات عقل خواهیم پرداخت و تعریفی از واژه عاقل می‌کنیم.

مشخص است که اینجا منظور ما فرضیه‌های اثبات نشده علمی و تعریف بسیار جدیدی که غرب از علم ارائه کرده نیست، بلکه علم را به عنوان آن ریاضیات و قوانینی در<sup>1</sup> نظر می‌گیریم که قابل اثبات هستند.

## عقل در خدمت حیوانیت

اگر قوه عقل تحت تأثیر وهم یا خیال باشد، شروع به بهانه‌گیری و عذرتراشی کرده و مدام با تراشیدن دلایل مختلف به دنبال توجیه تصمیمات غیرمنطقی و وهم‌آلود خود خواهد بود. مثل سرمربی تیمی که با تصمیم‌گیری‌های اشتباه منجر به شکست تیمش شده، اما تحت جو رسانه‌ها تقصیر را به گردن عوامل بیرونی می‌داند.

عقل سالم عقلی است که می‌تواند با معقولات ارتباط درستی داشته باشد. می‌تواند فکر کند، بفهمد، کشف کند و به عبارتی امور عقلی را درک کند. اگر از ما بپرسند که یک میلیارد تومان را می‌خواهی یا یک میلیون را؟ قاعدتاً یک میلیارد تومان را انتخاب می‌کنیم و اگر بدون هیچ دلیلی پاسخی خلاف این بدهیم، معلوم می‌شود که عقلمان درست کار نمی‌کند. یا اگر بین زیبایی محدود و زیبایی مطلق، زیبایی محدود را انتخاب کنیم، پایین بودن میزان درک عقلی‌مان را نشان می‌دهد. در واقع نوع برنامه‌ریزی‌ها، گرایش‌ها، مهرورزی‌ها و دلدادگی‌های ما همه نشان‌دهنده میزان کارکرد درست عقل و فهم ماست.

## بروزات مختلف قوه عقل

اما این قوه عقل که اینقدر اهمیت دارد، چیست؟ از چه بخش‌هایی تشکیل شده و در وجود ما چه جایگاهی دارد؟ قوه عقل چهارمین مرتبه از مراتب وجود ماست. مرتبه‌ای که در جایی بالاتر از وهم و پایین‌تر از فوق عقل قرار گرفته و با زوج و معشوق خود یعنی معقولات<sup>۲</sup> آرام می‌گیرد. معقولات همه چیزهایی هستند که برای عقل‌مان قابل درک و دریافت باشند. قوه عقل در حالت‌های گوناگونی بروز می‌کند، یکی از این بروزات عقل نظری است و در حالتی اتفاق می‌افتد، که خود قوه عقل فرمانروای وجود ما باشد. عقل نظری همان عقلی است که جهان را کشف کرده، قوانین و قواعد را درک می‌کند و به کسب علم و دانش علاقمند است. عقل ادراک‌کننده چیستی‌ها، اصول و قواعد است و عقل نظری بروز این قوه است. نهایت

---

<sup>2</sup> مفاهیم کلی یا معقولات چیست؟

این بخش از عقل هم آنجاست که فرد تمام هستی خود را صرف به دست آوردن علوم کرده است، اما از آنها تنها به منظور علمی استفاده می‌کند. چیزی هم که از آن به عنوان هوش تعبیر می‌کنیم، در محدوده عقل نظری قرار می‌گیرد. بروز دیگری از عقل که به آن پرداختیم، عقلی است که در خدمت وهم و خیال قرار گرفته، که در درس گذشته به آن پرداخته‌ایم.

اما حالت دیگری از بروز عقل هم وجود دارد، که از آن با نام عقلانیت یا عقل عملی یاد می‌کنیم. عقلانیت همان جنبه از عقل است که باید، نبایدها، خیر، شر، حق و باطل را تشخیص می‌دهد.<sup>۳</sup> در واقع این بروز از عقل زمانی اتفاق می‌افتد که بروز نظری عقل در خدمت فوق‌عقل یا بخش انسانی وجود قرار می‌گیرد.

ما با عقلانیت است که تشخیص می‌دهیم، برای سعادت‌مند شدن باید به بخش انسانی وجود خود یعنی قوه فوق‌عقلمان رجوع کنیم. این بروز از عقل است که مخاطب اصلی خدا و پیامبران قرار می‌گیرد. بدون داشتن عقلی که توانایی تشخیص داشته باشد، حتی از دست پیامبران هم کاری ساخته نیست، هر کدام از ما به میزان عقلانیت‌مان است که باید در برابر خود و دیگران پاسخگو باشیم، نه به مقدار عقل نظری یا دانشی که کسب کرده‌ایم.

### عقل کیست؟

معمولاً در دنیای امروز به کسی عاقل می‌گویند، که می‌تواند به خوبی از پس امور زندگی خود و اطرافیان‌ش برآید. درس خوانده است؛ ملک و مال و ماشین دارد؛ سیاست و ریاست بلد است و به عبارتی قواعد زندگی کردن و بهره‌برداری از این دنیا را به خوبی می‌داند. اما حقیقتاً عاقل کیست و نشانه بهره داشتن از عقل سلیم چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید روشن کنیم، که منظور ما از عقل، هوش نیست. چون از منظر عقل نظری ممکن است هریک از ما از درجه‌های مختلف هوش برخوردار باشیم؛ اما لزوماً باهوش بودن ما به معنی عاقل بودنمان نیست. ممکن است

<sup>۳</sup> انسان‌شناسی شناخت عقل در پرتو عقل و نقل، علی‌الله بداشتی

فردی دانشمند باشد، اما از دانشش برای ساخت بمب استفاده کرده و انسان‌ها را نابود کند؛ طبیعتاً ما چنین فردی را عاقل نمی‌دانیم.

یک راه خوب برای فهمیدن میزان عقلمان این است که ببینیم به چه چیزهایی گرایش داریم؛ وقت و عمرمان را در چه راهی صرف می‌کنیم؟ اولویت زندگی‌مان در چیست؟ کم را می‌خواهیم یا زیاد را؟ موقت را می‌خواهیم یا محدود را؟ این ملاک‌ها و نحوهٔ قیمت‌گذاری در امور مختلف را به مرور بیشتر تمرین خواهیم کرد.

در این مقاله قوه عقل را تعریف کردیم و اهمیت و ویژگی‌هایش را بیان کردیم. منظور از عقل نظری و عملی را مشخص کرده و گفتیم که میزان عقل ما از نوع گرایش‌ها و تمایلات‌مان قابل تشخیص است. فهمیدیم که اگر عاقل باشیم، ابدیت نامحدود را به دنیای محدود نمی‌فروشیم. همچنین یادآوری کردیم که میزان عقلانیت ما بر آرمان‌ها، دغدغه‌ها، انگیزه‌ها و در کل سبک زندگی ما تأثیر می‌گذارد.

در صورتی که مایل بودید راجع به آخرین قوه از قوای نفس، یعنی فوق عقل بیشتر بدانید، مطالعهٔ درس بعدی را به شما پیشنهاد می‌کنیم.